

## زمستان سخت تابستان سخت



گوروش احمدی

دیپلمات پیشین

بارک‌ودی که متأسفانه در مذاکرات شاهدیم، کسانی‌که در سال ۱۴۰۰ نوید «زمستان سخت در اروپا» را می‌دادند، ساز تابستان سخت در آمریکا را کوک کرده‌اند و به نظام اطمینان می‌دهند که اگر مذاکره را ترک کند و تنگه هرمز را بسته نگه دارد، در تابستان بحران انرژی در غرب اوج خواهد گرفت و آمریکا مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد. جریانی که در کشور چنین ایده‌ای را تبلیغ می‌کند، علاوه بر یک شاخه سیاسی، کارشناسانی نیز دارد که بعضاً به‌عنوان مشاور مقامات یا در برنامه‌های صداوسیما پیوسته نظرات خود را در گوش تصمیم‌گیران و بدنه اجتماعی نظام زمزه می‌کنند و تابوهایبی در اذهان می‌آفرینند؛ تابوهایی که عبور از آنها ممکن است کار ساده‌ای نباشد. توصیه‌های این جریان سیاسی و کارشناسان آن سه مشکل اساسی دارد:

مشکل اول این است که آنها توجه ندارند بازار انرژی پویاست و تحت تأثیر عوامل متنوع و متعددی قرار دارد و با قطعیت نمی‌توان درباره چند ماه آینده آن پیش‌بینی کرد. این کارشناسان در دوره صدورزه بعد از جنگ به دفعات پیش‌بینی‌هایی در مورد قیمت نفت، تخلیه ذخایر نفتی استراتژیک و تجاری و از کنترل خارج‌شدن قیمت انرژی داشتند که محقق نشد. آنها به این واقعیت که بازار انرژی طی این دوره کام‌هایی در جهت تطبیق خود با شرایط جدید برداشته و در نتیجه آن بهای نفت برنت جمعه گذشته ۹۳ دلار بود، توجه ندارند (تبادل موشک بین ایران و اسرائیل موجب رشد دو تا چهار دلاری برنت در دوشنبه شد). نزدیک به ۱۵ میلیون از ۲۰ میلیون بشکه کسر نفت ناشی از بسته‌شدن تنگه هرمز از محل‌های دیگر مانند صادرات عربستان و امارات از طریق خط لوله (حدود هفت تا هشت میلیون بشکه). افزایش تولید سایر کشورهای تولیدکننده و کاهش حدود ۴٫۵ میلیون بشکه‌ای در مصرف جهانی بر اثر صرفه‌جویی و رجوع به انرژی‌های پاک تأمین شده است (چین حدود ۱۷ درصد از مصرف خود گاسته و مصرف سوخت در خانه‌های هند نیز حدود ۱۳ درصد کاهش یافته است). همچنین برآوردها حاکی از آن است که در دو ماه آتش‌بس، روزانه به‌طور متوسط حدود ۱۷ کشتی ضمن هماهنگی با آمریکا یا با ایران و پرداخت عوارض از تنگه عبور کرده‌اند. بخشی از این کشتی‌های عبوری نفتکش بوده‌اند و گفته می‌شود روزانه بین ۶۰۰ تا یک میلیون بشکه نفت حمل کرده‌اند.

به‌علاوه، آزادسازی نفت از ذخایر استراتژیک و تجاری در کشورها را نیز باید در محاسبه وارد کرد. مشکل دوم این است که این جریان سیاسی و کارشناسان آن، توزیع نامتوازن کمبود نفت در جهان را مسکوت می‌گذارند. بازارهای آسیایی که حدود ۸۰ درصد نفت خود را از طریق تنگه هرمز دریافت می‌کردند، بسیار بیشتر از سایر مناطق تحت فشار قرار دارند. به گزارش آنتکاد نیز از حدود ۷۵ کشور در جنوب جهانی ۶۵ کشور واردکننده نفت بوده و به‌شدت در برابر افزایش قیمت انرژی و نیز کمبود مواد غذایی و افزایش بهای آن آسیب‌پذیر هستند. تاکنون اکثر این کشورها، به‌ویژه چین، شاید با درک تجاوزکار پیوند آمریکا، از بغض ترامپ و نتایجو فشار چندانی به ایران برای بازگشایی تنگه هرمز وارد نکرده‌اند. اما روشن نیست که طی چند ماه آینده شاهد چه تحولاتی خواهیم بود. مسئله مهم دیگر این است که آمریکا از ناحیه بسته‌بودن تنگه هرمز با کمبود نفت مواجه نیست. البته بی‌شک، به خاطر بازار واحد جهانی نفت، افزایش قیمت نفت بر آمریکا نیز تأثیر داشته و علاوه بر افزایش قیمت بنزین، باعث افزایش تورم سالانه از ۳٫۲ به ۳٫۸ درصد در آوریل شد و احتمالاً به بالای چهار درصد در ماه می خواهد رسید. این افزایش تورم مانع کاهش نرخ بهره پرایم و موجب افزایش نرخ بهره اوراق ۱۰ساله خزانه‌داری خواهد شد و می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های دولت و کاهش رشد اقتصادی در آمریکا شود. اما اولاً اینها اتفاقاتی است که ممکن است در میان‌مدت شاید در سال آینده رخ دهد و ثانیاً باید توجه داشت که ترامپ در تله اعتبار قرار گرفته و فاکتور تعیین‌کننده برای او میراثش و اعتبار شخصی‌اش و نیز اعتبار آمریکا در برابر کشورهای رقیب است و معلوم نیست به این فاکتورهای اقتصادی اهمیت لازم را بدهد.

<span>سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۵</span>
<span>۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۷</span>
<span>۹ ژوئن ۲۰۲۶</span>
<span>سال بیست‌ودوم</span>
<span>شماره ۵۴۰۴</span>
<span>۴۰ هزار تومان</span>
<span>۸ صفحه</span>

## روزنامه

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** پیروزی پاشینیان در انتخابات ارمنستان • چرا در افغانستان افراد ناپدید می‌شوند؟ • خواهران مہارنشدنی منصوریان • دیاسپورا؛ تبعید آرام روح در جهان گسسته

«شرق» از تبادل آتش و معادلات جدید بازدارندگی ایران در منطقه گزارش می‌دهد

# بزرگ‌ترین آزمون آتش‌بس

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



بازارهای تهران به تبادل آتش میان ایران و اسرائیل واکنش هیجانی نشان ندادند

## بازار؛ خونسرد و تماشاگر

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید، عکس: محمد مهمنی، مهر

### یادداشت

## ایده «رقابت» و «انحصار» منفعت



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

۴- بنگاه‌داری دولتی و نهاد‌های حاکمیتی به معنای ورود داور به رقابت با بازیکنان است. در چنین فضایی، خواست و سلیقه داور که همانا مقررات دولتی است، جایگزین قواعد کلی می‌شود و بازی رقابتی و فضیلت‌های مرتب بر آن (کشف کارآمدترین شیوه‌های تولید و بهترین کیفیت کالاها و خدمات و بروز استعدادها و خلاقیت‌ها و تخصیص بهینه منابع و از بین رفتن رانت و کاهش زمینه بروز فساد و…) مخدوش می‌شود. این نتایج بسیار زیان‌آور فضای غیررقابتی در عرصه اقتصادی کمتر مشخص و عریان است. درحالی‌که در یک رقابت ورزشی این امر آشکار و عیان است. چنان‌که این روزها که تب فوتبال در حال بالاگرفتن است و تیم ملی کشورمان در این جشنواره جهانی حضور دارد، بعضی رفتار غیررقابتی کام طرفداران تیم ملی را بسیار تلخ کرده است. فرایند غیررقابتی و انتخاب بعضی بازیکنان غیر آماده و سن‌بالا (سالخورده در فوتبال) و عدم حضور بازیکنان جوان‌تر و آماده یکی از این موارد بود. رفتاری که تیم ملی ایران را یکی از سه تیم پیر حاضر در جام جهانی کرد. درست در همین زمان در اخبار مربوط به تغییرات باشگاه رئال‌مادرید می‌خوانیم که کاندیدای اصلی مدیریت این باشگاه قول جذب ستاره‌های ۱۵۰ میلیون دلاری را داده که میانگین سنی آنان ۲۳ سال است (هالند، موسیلا، ویتینا، ژوائو نوس، دونه و الوارز)؛ بازیکنانی که جایگاه خود را از درون زمین و از دل رقابت‌های سخت و سنگین ورزشی و نه مصلحت و سلیقه‌های غیروزشنی کسب کرده‌اند و چند برابر سرمایه‌گذاری باشگاه را به صاحبان و سهامداران آن که بعضاً مردم عادی عاشق فوتبال هستند، بخواهند گرداند.

نتیجه آنکه اگر امروز رقابت در کنار آزادی یکی از دو گوهر کمیاب اقتصاد ایران است و حتی تصویب قوانین پایه‌ای و اساسی (سیاست‌های اصل ۴۴) و ایجاد نهادهای فراقوه‌ای (شورای رقابت) هم نتوانسته آن را تور بیندازد، به سبب غلبه انحصارطلبی و منفعت‌خواهی فردی و گروهی بر منافع ملی و خیر عمومی است. رقابت با نسبی‌گرایی و پذیرش منفعت دیگری در عین منفعت خود هم‌نشین بوده و بازی برد-بردی است که همراهی و همکاری و نه تضاد و دشمنی را در روابط و مناسبات داخلی و جهانی به ارمغان می‌آورد. جهانی که مبتنی بر اطلاعات و داده‌هایی است که به اشتراک گذاشته می‌شود و هرکس در این بازی نباشد، بازنده است؛ چنین سرنوشتی از این مردم و سرزمین دور باد.

«رقابت اساساً یک فرایند شکل‌گیری ایده است. این فرایند از طریق بخش اطلاعات، یکدستی و وحدتی را در نظام اقتصادی خلق می‌کند که وقتی آن را به‌مثابه یک بازار واحد در نظر می‌آوریم، این یکدستی و وحدت را بدیهی می‌انگاریم. رقابت دیدگاه‌هایی را که افراد دربرابر بهترین‌ها و ارزان‌ترین‌ها در ذهن دارند، می‌آفریند و به این خاطر است که افراد دست‌کم تا این اندازه که واقعا می‌بینیم، از امکانات و فرصت‌ها آگاه‌اند. از این‌رو رقابت فرایندی است که دگرگونی پیوسته‌ای را در داده‌ها به همراه دارد و بنابراین هر نظریه‌ای که این داده‌ها را تأیث می‌کیرد، معنای آن [رقابت] را به هیچ‌رو درک نخواهد کرد» (فون هایک- ۱۹۶۶).

ادبیات و سیاست در گفت‌وگو با محمود حدادی به مناسبت انتشار «ویتسک» گنورک بوشنر

### شام تاریخ

### ۵

### برگزیده‌ها

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران:

### روند مذاکرات پویاست

### ۲

گزارش «شرق» از روزهای سخت گردشگری، ورشکستگی بوم‌گردی‌ها و تعدیل نیرو زیر فشار اقتصادی و کاهش سفرها

### اتاق‌های بی‌مسافر خانه‌های بی‌میهمان

### ۷

علوی‌های سوریه در دوران پسااسد

### انتقام جویی به جای عدالت

### ۴

### کودکان؛ قربانیان جنگ یا فاتحان آینده

یادداشتی از سعید نبی

### ۸

### جام جهانی ۲۰۲۶

تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ پیرترین میانگین را در هفت دوره از این مسابقات ثبت کرد

### قلعه‌نویی آمار را خراب کرد

### ۶

### یادداشت

### تحریم‌ها و قدرت اقناع‌سازی



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

در کتاب «نزاع هزارساله ما» به قلم عجم‌اوغلو، دارنده جایزه نوبل اقتصاد، چنین روایت می‌شود که در انتهای قرن ۱۸ در آمریکا، حدود یک‌سوم از کل عرصه‌های زراعی هنوز اراضی ششایی نبودند و به‌طور بالقوه می‌توانستند به مالکیت خصوصی درآیند. در ۱۷۷۳ پارلمان آمریکا، با درخواست زمین‌داران بزرگ که صاحب قدرت و نفوذ قابل توجهی بودند، با تصویب قانون حصارکشی، سازماندهی مجدد اراضی عمومی را که توسط دهقانان روستایی استفاده می‌شد، مسود بازبینی قرار داد. نمایندگان مجلس این قانون جدید را تحت لوای مصلحت ملی به اجرا گذاشتند. اجرای این قانون مانع از دسترسی روستاییان به زمین‌های کشاورزی همگانی شد. آرتور یانگ، یکی از حامیان این طرح، با اعتقادی راسخ اظهار کرد: منفعت فراگیر ناشی از حصارکشی را کاملاً اثبات‌شده می‌دانم؛ در واقع این امر به قدری واضح است که در میان افراد عاقل و عاری از تعصب، کسی در مورد آن تردید نمی‌کند. نگاه از پشت چنین عینکی، محروم‌کردن فقرا از حقوق عرفی و اراضی مشاع را پذیرفتنی جلوه می‌داد؛ زیرا مدافعان این طرح چنین وانمود می‌کردند که ترتیبات جدید موجب استفاده از فناوری مدرن و در نتیجه بهبود کارایی و تولید غذای بیشتر می‌شود. آرتور یانگ شاید متوجه یک حقیقت اقتصادی ظریف‌تر شده بود؛ روستاییان فقیر پس از سلب مالکیت به منبعی مطمئن از نیروی کار ارزان برای زمین‌داران تبدیل می‌شدند. تاریخ جنبش حصارکشی در آمریکا به روشنی نشان می‌دهد که اقناع و نفع اقتصادی شخصی چگونه گروهی از منتفعان یا محرومان را یک تصمیم به‌ظاهر اقتصادی را شکل می‌دهد. نگاهی که دم از یک خیر عمومی بزند، قدرتمند است؛ چون دست‌اندرکاران با سازماندهی و تغییر قواعد قبلی، قادر به اقناع دیگران خواهند بود.